

آشنایی با مهارت‌هایی که به اختیار منجر می‌شوند



کارتون: مجید صالحی

معاون دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته است: «۳۰ درصد معتادان مهارت «نه گفتن» را ندارند.» به همین بهانه به یکی از مراکز ترک اعتیاد سر زدیم تا با معتادان گفت و گو کنیم و دلیل اعتیادشان را جویا شویم.

خبرنگار: شما چرا درگیر اعتیاد شدی؟

معتاد اولی: من معتاد نیستم.

خبرنگار: بله، می‌دونیم! ولی دلیل اعتیاد تون چیه؟

معتاد اولی: راستش من خیلی خجالتی بودم. اولین بار که بهم مواد تعارف کردن، توی رودربایستی دوستانم موندم و مجبور شدم بکشم. آخه اونا هم خیلی تعارفی بودن و هی می‌گفتن حالا یه پک بزن، فقط یه پک. دیگه روم نشد بگم نه و همین جور ادامه دادم. البته بگم که من معتاد نیستم.

خبرنگار: خب ممنون. شما چطور معتاد شدی؟

معتاد دومی: راستش من نمی‌تونستم «نه» بگم.

خبرنگار: دوست قبلی مون هم به همین علت معتاد شده بود.

معتاد دومی: نه، من برعکس اولی خجالتی نبودم، خیلی هم پررو بودم، ولی به دلیل مشکل لوزوی، کلا کلمه «نه» رو نمی‌تونستم تلفظ کنم. هی دوستانم می‌گفتن بیا بکش، هی می‌خواستم بگم نه، زبونم توی حلقم نمی‌چرخید، می‌گفتم باشه. دیگه مجبور شدم بکشم و معتاد شدم. الان هم از وقتی او دم اینجا، دارم گفتاردرمانی می‌شم و کم‌کم می‌تونم بگم «نه».

خبرنگار: دوست عزیز، شما چطور معتاد شدی؟

معتاد اولی: این هم مثل من معتاد نیست.

خبرنگار: بله، از قیافه شون معلومه. حالا که چرت می‌زنی، می‌ریم سراغ بعدی.

معتاد چهارمی: من هم مشکل مهارتی داشتم.

خبرنگار: یعنی شما هم مهارت «نه» گفتن نداشتی؟

معتاد چهارمی: چرا، من می‌تونستم بگم «نه»، ولی مهارت «نه» شنیدن رو نداشتم. اولین باری که مواد کشیدم، خیلی زیاده روی کردم، بعد دوستانم هی می‌گفتن بسه دیگه، من می‌گفتم نه، هنوز باید بکشم، باز اونا می‌گفتن نه، نکش دیگه، ولی متأسفانه من مهارت نه شنیدن نداشتم و همین‌طور ادامه دادم تا به اینجا رسیدم.

خبرنگار: بریم سراغ آخرین نفر، شما چطور معتاد شدی؟

معتاد پنجمی: من هم مهارت نداشتم.

خبرنگار: وقت نداریم که حدس بزنیم شما دیگه مهارت چی رو نداشتی. خودت زود بگو.

معتاد پنجمی: من مهارت قبول شکست رو نداشتم. اولین باری که شکست عشقی خوردم، رفتم سراغ مواد. بعد یه مدت ترک کردم و رفتم دنبال کار، توی کارم موفق بودم، ولی چون مهارت پاس کردن چک رو هم نداشتم، ورشکسته شدم و چون مهارت شکست نداشتم، باز معتاد شدم. دوباره خانواده من رو بردن ترک دادن. این بار

از دواج کردم و زندگی خوبی داشتم. یه روز داشتم ظرف می‌شستم و همسر من برام میوه پوست کنده بود، اشتباهی چندتا از بشقابای جهیزیه همسرم از دستم افتاد و شکست. اون هم عصبانی شد و گفت تو فقط مهارت شکستن داری. دیگه باز اعصابم به هم ریخت و باز رفتم معتاد شدم تا الان که در خدمت شما هستم.

معتاد اولی: خواهش منصاحبه این رو چاپ کنین، وگرنه باز شکست عاطفی می‌خوره و دوباره معتاد می‌شه!

نامردا... من هنوز زیبون باز نکردم، قطعاً نه هم نمی‌تونم بکم!

صفحه ۵

۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۱۰۴



جاهایی رو که هوش مصنوعی تشخیص می‌ده، بوق بلند بزنه. دسته سوم هم کارشون مثل دسته قبل راحتیه. فقط صدا رو باید صدای بوق کامیون، تریلی یا حتی قطار بذارن. دسته چهارم رو که اصلاً پیشنهاد نمی‌کنم با خودتون پخش‌کننده موزیک حمل‌کنن. چون مسلمانا چیزای خیلی سنگین تر و بزرگ‌تری رو باید حمل‌کنن و جیبشون برای این سوسول بازی جا نداره!

میکروفون دارو رو که سبکه و اذیتشون نمی‌کنه، داشته باشن. دسته اول لایت موزیکای ملایم توش بریزن یا آهنگ‌های سنتی و آرامش بخش. هر زمان هم هوش مصنوعی متوجه شد طرف داره وارد گودمی شه، این موزیکارو پخش می‌کنه تا به آرام شدن جو کمک کنه. کار دسته دوم راحت‌تره. اونا فقط یک صدای بوق پیکانی، پرایدی یا نهایتاً پژویی توش ذخیره کنن که موقع ورود به جدال و درگیری به صورت خودکار